

مفهوم شناسی نظام انقلابی از منظر حکمت متعالیه امیرحسین منصوری نوری^۱، میلاد اصابتی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۶

چکیده:

نوشتار حاضر در پی پاسخ گویی به این پرسش که «مفهوم نظام انقلابی چیست؟» شکل گرفته است برای رسیدن به این هدف ابتدا بر اساس نگاه اندیشمندان مختلف غربی و اسلامی به بررسی نظام و انقلاب با روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از ابزار کتابخانه پرداخته شده است و پس از نقد و بررسی نظرات مختلف تعریفی مختار از نظام و انقلاب و نظام انقلابی با پشتوانه حکمت متعالیه ارائه شده است. یافته های مقاله عبارتند از تعریف نظام: «نظام یک کل و مجموعه ای دارای اجزا و عناصر منسجم و پیوند خورده دارای هدف مشخص است که چارچوب و قوانین و ارزش ها و آرمان های خود را از تشریح و رهبری الهی گرفته و به نظام تکوین بازگشت پیدا می کند و از فردی ترین تا اجتماعی ترین، ظاهری ترین تا باطنی ترین (روح ها و اندیشه ها) لایه های زندگی انسان ها را در برمی گیرد» تعریف انقلاب: «حرکتی دورانی - تکاملی متناسب با حرکت جوهری عالم است که به جهت محذورات و مقذورات در عالم ماده با صیوررت و تدریج ایجاد می شود؛ و در هر گام جدید تمام کمالات گام های پیشین را داراست و در نهایت به سبب گرایش فطری و حبی در وجود مردم، انسان ها به آرمان ها و مطلوبات انسانی نیل پیدا می کنند.» تعریف نظام انقلابی: «یک کل و مجموعه ای دارای اجزا و عناصر منسجم و پیوند خورده که هدف آن تحقق آرمان ها و مطلوبات است. نظام انقلابی چارچوب و قوانین و ارزش ها و آرمان ها را از تشریح و رهبری، الهی گرفته و به صورت حرکتی دورانی - تکاملی مطابق با حرکت جوهری در عالم با تدریج و صیوررت به سمت آرمان ها حرکت می کند و به آن خواهد رسید.» بیان این نکته ضروری است که با این تعریف، اقدام های سخت در شرایطی خاص ابزاری در خدمت آرمان خواهد بود نه یک ضرورت در مفهوم انقلاب.

واژگان اصلی: نظام، انقلاب، نظام انقلابی، گام دوم انقلاب، حکمت متعالیه

۱. دانش اموزخته دکتری فلسفه و کلام، دانشگاه شهید رجایی، استاد حوزه علمیه مروی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
amirhoseindoa@gmail.com

۲. طلبة حوزه علمیه مروی، تهران، ایران.

۱. بیان مسئله:

امروزه زندگی انسان‌ها تحت الگوهای گوناگونی شکل گرفته است و انسان‌ها به طور مداوم از شرایط پیرامونی خود اثر می‌پذیرند بنابراین پرداخت و بررسی این الگوها به‌ویژه در عرصه سیاسی و اجتماعی به قدری ضروری است که سعادت و شقاوت انسان‌ها به شناخت صحیح آن الگوها گره خورده است. پشتوانه این الگوها به طور معمول فلسفه‌ها و اندیشه‌هایی است که برپایه آن‌ها این الگوها بنا می‌شود. الگوی حکمرانی «جمهوری اسلامی ایران» نیز از این قاعده مستثنی نیست و این الگو را می‌توان بر اساس سخنان رهبران انقلاب دریافت کرد، بیانیه گام دوم انقلاب مبتنی بر نظریه نظام انقلابی توسط رهبر انقلاب اسلامی، نگارش شده است، از آن‌جا که به‌نظر می‌رسد در نگاه رهبران انقلاب و تلاش ایشان برای نظام‌سازی، مکتب صدرا بالانحص حرکت جوهری نقش ویژه‌ای دارد و می‌تواند ما را در درک پشتوانه‌های علمی نظریه‌ی نظام انقلابی یاری‌رسان خوبی باشد. برای نیل به این هدف پرسش اصلی «مفهوم نظام انقلابی از منظر حکمت متعالیه چیست؟» را به منابع حکمت متعالیه عرضه کرده‌اند و برای یافتن پاسخی درخور ناگزیرند به پرسش‌های فرعی «تعریف نظام از منظر حکمت متعالیه چیست؟»، «تعریف انقلاب از منظر حکمت متعالیه چیست؟» و «رابطه حرکت با نظام انقلابی چیست؟» پاسخ گویند.

پس از تعریف مسئله و قبل از ورود به بحث به پژوهش‌های مشابه پرداخته و وجه تمایز این جستار را با موارد مشابه، بیان خواهد شد.

۲. پیشینه پژوهش

نگارندگان تا آنجا که جستجو و بررسی کرده‌اند به منابعی که مستقیم یا غیرمستقیم به موضوع دست یافته و در زیر به آن‌ها اشاره کرده‌اند:

۲. ۱. در کتاب «انقلاب اسلامی و جهشی در تحولات سیاسی» (مصباح یزدی، ۱۳۹۹)، به منشا پیدایش انواع حکومت‌ها و شکل‌گیری حرکت انبیای الهی و تحولات اجتماعی پرداخته شده است؛ وجه تمایز مقاله‌ی حاضر این است که علاوه بر تعریف نظام و حکومت آرای مختلف اندیشمندان از نظام پس از طرح، نقد شده و با پشتوانه حکمت متعالیه حرکت انقلاب توصیف شده است که کتاب مذکور خالی از این مطالب است.

۲. ۲. در مقاله‌ی «چیستی انقلاب از منظر آیت‌الله خامنه‌ای» (سیاهپوش، ۱۳۹۶)، تنها به چیستی انقلاب پرداخته شده است، در حالی که مقاله پیش‌رو علاوه بر بررسی مفهوم انقلاب از منظر رهبر انقلاب و اندیشمندان دیگر اسلامی و غربی به تعریف از نظام و نسبت انقلاب با نظام نیز پرداخته شده است.

۲. ۳. در مقاله‌ی «تبیین مفهوم راهبردی نظریه نظام انقلابی در جمهوری اسلامی ایران» (امینی، ۱۳۹۸)، بیشتر به مختصات، مولفه‌ها، شاخص‌ها و راهبردهای پیاده‌سازی آن پرداخته شده است، در حالی که مقاله‌ی پیش‌رو به تبیین پشتوانه‌ها و چارچوب‌های علمی نظریه‌ی نظام انقلابی با توجه به حکمت متعالیه پرداخته است.

پس از پایان یافتن پیشینه، در آغاز مباحث به تعریف مفاهیم، پرداخته خواهد شد.

۳. ایضاح مفهومی

در ایضاح مفهومی ابتدا معنای نظام مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فرآیند کشف معنای نظام؛ در تبیین معنای نظام این فرایند طی خواهد شد که ابتدا ضرورت نظم و الگویی برای ایجاد آن مورد بررسی قرار گرفته و سپس تعاریف موجود نظام در فرهنگ لغت و سیر تغییر لفظ و معنا در غرب، از جنبه‌های جامعه‌شناسانه و علوم سیاسی مورد کند و کاو قرار می‌گیرد، در مرحله‌ی بعد به تعریف اندیشمندان مسلمان از نظام اشاره شده و مورد

ارزیابی قرار می‌گیرد و در نهایت تعریف مختار ارائه خواهد شد.

۳. ۱. **ضرورت نظم و الگوی ایجاد آن؛** تحقق اهداف انسانی و تامین نیازمندی‌های بشر جز در پرتو اجتماع میسر نیست و لازمه‌ی زندگی اجتماعی تزاخم بین منافع افراد جامعه در برخورداری عادلانه از مواهب طبیعی و غیر طبیعی است، در این میان زیاده‌خواهی برخی، سبب خروج از عدالت و بروز کشمکش‌هایی بین انسان‌ها می‌شود، برای خروج از هرج و مرج نیاز به الگوهایی است تا جامعه بتواند بقا بیابد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۱۱). بنابراین قانون و حکومت به عنوان الگویی برای بشر لازم است (موسوی الخمینی، ۱۳۲۷، ص ۱۸۱)، به الگوی برقراری نظم نظام گفته می‌شود، برای نظام تعاریفی وجود دارد، که مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳. ۲. تعاریف موجود نظام

در میان تعاریف موجود ابتدا به تعریف نظام در فرهنگ غرب پرداخته خواهد شد.

۳. ۲. ۱. **فرهنگ غرب؛** در فرهنگ لغت آکسفورد آمده «به مجموعه‌ای از ایده‌ها یا نظریه‌های سازمان‌یافته و یا ارتباطات خاص بین اجزا به هدف انجام شدن بعضی چیزها(سایت آکسفورد، ۱۴۰۱)» نظام می‌گویند.

۳. ۲. ۲. **سیر انتقال از علوم تجربی به علوم انسانی؛** در غرب متفکرین و اندیشمندان گوناگونی به تعریف از نظام در آثار خود پرداخته‌اند. طبق جستجوی پژوهشگران، اصطلاح علمی نظام (system) در غرب ابتدا در سال ۱۹۴۰ در ارتش انگلستان برای روش تحقیق عملیات با چینش ادوات جنگی و انسان‌ها، مورد استفاده قرار می‌گرفت، سپس این اصطلاح از فرهنگ نظامی به رشته‌های دیگر انتقال یافت. که بعضی از این رشته‌ها در زیر مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۱. یادآوری این نکته ضروری است که نظام بدون حکومت قابلیت تحقق ندارد و رابطه بین حکومت و نظام خودش پژوهش جدایی را نیازمند است.

الف. جامعه‌شناسی، پارسونز^۱ به عنوان جامعه‌شناس، در این خصوص می‌گوید: نظام الگویی است تعاملی که از تعامل نقش‌ها، پایگاه‌ها، انتظارات و هنجارهای اجتماعی در عرصه‌های مختلفی نظیر خانواده، حزب، بازار، دانشگاه، بیمارستان و... به وجود می‌آید (همیلتون، ۱۳۷۹، ص ۱۱۹) همچنین او به لحاظ اصطلاحی، نظام اجتماعی را این گونه تعریف می‌کند: مفهوم نظام اجتماعی چشم انداز و مفهومی انتزاعی است که مابه‌ازای مفهومی یک واقعیت عینی نیست و این مفهوم از کنش‌های متقابل دو یا چند کنش‌گر در ارتباط با یکدیگر به وجود می‌آید (روشه، ۱۳۷۶، ص ۱۰۱)

ب. علوم سیاسی؛ در علوم سیاسی تلقی واحدی از مفهوم نظام سیاسی، در میان اندیشمندان سیاسی وجود ندارد و این مفهوم تا جایی که جستجو شده با عناوینی چون دولت (state)، حکومت (government) و رژیم سیاسی (regime) بیان می‌شود (اردکانی، ۱۳۹۷، ص ۴۲)؛ اگر دولت را قدرت سیاسی سازمان‌یافته که امر و نهی می‌کند تعریف کنیم، مترادف حکومت است ولی حکومت و دولت در معنای مدرن آن دو چیز هستند که حکومت زیرمجموعه دولت است. در تعریف مدرن دولت یعنی اجتماع انسان‌هایی که در سرزمین خاصی ساکن‌اند و دارای حکومتی هستند که بر آنها اعمال حکومت می‌کند (واعظی، ۱۳۸۰، ص ۴۵) که در این مقاله نظام از جهت الگوبودن بر هر دو معنا اطلاق شده است. این نظام انواع گوناگونی همچون دموکراسی^۲، کمونیسم^۳، الیگارشی^۴، و... در دنیا دارد

^۱ . پارسونز از تأثیرگذارترین چهره‌های جامعه‌پژوهی قرن اخیر قلمداد می‌شود. او در قرن بیستم یکی از نظریه‌پردازان بسیار فعال در حوزه‌ی مطالعات اجتماعی با رویکرد فلسفی بود. نظریات او در امریکا، اروپا و بعدها در نقاط دیگر جهان و از جمله در ایران، توجه‌ها را به خود جلب کرد. تقسیم معروف نظام‌ها به «اجتماعی - سیاسی، فرهنگی - اقتصادی» از آن اوست.

^۲ به رسمیت شناختن حق حاکمیت و حکومت بشر به صورت بالذات و بالاصاله و مستقل از خداوند است. که دموکراسی به انواع مختلفی تقسیم می‌گردد.

(Thompson, 2021)، اما نظام با عبارت رژیم در اصل واژه فرانسوی است و از Regimen گرفته شده است (ساروخانی، ۱۳۷۵، ص ۶۷۴) این کلمه معمولاً دارای بار منفی در تعریف خود است و تعریف آن این‌گونه است که سلطه خود را با زور و غلبه جلو می‌برد و جز اندکی نمیتواند با تاروپود جامعه پیوند برقرار کند (شهبازی، ۱۳۹۸).

۳.۲.۳. اندیشمندان معاصر مسلمان؛

آرای هر کدام از اندیشمندان مسلمان را به تفکیک مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف. محمدحسین طباطبایی؛ نظام همان تشریح و دستورات الهی است که از جانب خدا و توسط پیامبران برای اداره زندگی بشریت آمده است (طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۸).

ب. محمدتقی مصباح یزدی؛ نظام بودن نظام به ارتباط و اتصال قوانین، احکام، ارزش‌ها و روابط مقرر و مدونی که بر مجموعه‌ای حکومت می‌کند مربوط است و به اشخاص حقیقی درون آن نظام وابسته نیست زیرا آنها متغیرند ولی اصل نظام پابرجاست (مصباح یزدی، ۱۳۹۶، ص ۳۴).

ج. عبدالله جوادی آملی؛ نظام، راه و سیاستی است که با احکام و قوانین الهی آمیخته شده و تک بعدی و سطحی نبوده و رشد در ابعاد دنیوی و اخروی را با محوریت رهبر و مدیریتی الهی پیگیری و محقق می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۱۹۱).

د. محمد باقر صدر؛ نظام اجتماعی منظومه‌ای است که زیربنای احکام اجتماعی بوده و علاوه بر احکام مرسوم اجتماعی یعنی بایدها و نبایدها و همچنین احکام اخلاقی یعنی شایسته‌ها و بایسته‌ها (صدر، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۲۶) لایه‌های دیگری از نظریات و قواعد عمومی قابل

^۲ کمونیسم به مکتبی گفته می‌شود که مفهوم جامعه بی‌طبقه را بر اساس مالکیت اشتراکی ابزار تولید ترویج می‌کند.

^۴ افلاطون الیگارش را حکومتی میدانند که در آن ثروت مایه قدرت و اعتبار سیاسی است و چون توانگران همیشه به لحاظ عددی اندکند، حکومت در دست اقلیتی انگشت شمار است.

استناد به شریعت را که دارای نظم و انتظام خاصی بوده را در بر می‌گیرد؛ بطوری که یک «کل» و یک بسته پیشنهادی را در عرصه‌های مختلف جامعه همچون سیاست، فرهنگ و... را ارائه می‌دهد (صدر، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۵۴)؛ بنابراین بر اساس نظر پژوهش‌گران در نگاه محمدباقر صدر، اسلام علاوه بر احکام اجتماعی، دارای مکتب اجتماعی است که از آن به نظام اجتماعی تعبیر می‌شود.

پس از پایان یافتن توصیف تعاریف موجود، اکنون به بررسی و نقد آن‌ها خواهیم پرداخت.

ج. ۲. ۴. بررسی و نقد تعاریف موجود نظام

در این بخش تعاریف‌ها و انتقال مفهوم نظام به ترتیب توصیف شده و مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرد.

الف. نقد تعریف آکسفورد: به نظر نگارندگان تعریف نظام در فرهنگ لغت آکسفورد خالی از غایت و هدف مشخص بوده و عدم وجود هدف برای هر چیزی باعث خطا رفتن آن است.

ب. نقد انتقال از علوم تجربی به علوم انسانی: به نظر می‌رسد واژه سیستم (system) که بعضی آن را معادل واژه نظام دانسته‌اند، در اروپا بعد از انقلاب صنعتی و توجه به دانش تجربی گسترش پیدا کرده و غالباً در علوم نظامی و مهندسی استعمال شده است؛ سپس لفظ و معانی آن به شاخه‌های دیگر به‌ویژه شاخه‌های علوم انسانی ورود پیدا کرده و در قالب واژه‌هایی همچون نظام اجتماعی (social system) و نظام سیاسی (political system) گسترش یافته است (آقا نظری، ۱۳۹۷) بنابراین خاستگاه تعریف نظام در علوم انسانی غربی علوم تجربی بوده و این در حالی است که علوم تجربی بنابر نظر اندیشمندانی مانند پوپر^۱ ابطال پذیر بوده و از آن‌جا که مبتنی بر تجربه است قابل استدلال منطقی نیست (حقدار، ۱۳۷۲) زیرا فارغ از جهان

۱. کارل پوپر فیلسوف علم قرن بیستم میلادی است که قائل به نظریه ابطال پذیری تجربی است.

بینی فلسفی و الهیاتی - که مبتنی بر استدلال است - به این تعریف رسیده بنابراین اعتبار تعاریف به اندازه تعاریف مبتنی بر استدلال نیست.

ج. **نقد تعریف در جامعه‌شناسی:** در این تعریف، نظام، مابه‌ازای مفهومی واقعیت عینی در نظر گرفته نشده است و این یعنی نظام واقعیت عینی ندارد، درحالی‌که می‌توان آن را معقول ثانی فلسفی دانست به این معنا که حقیقت خارجی به نظام متصف شده و عروض آن ذهنی است. همچنین اگر تنها آن را در الگوی تعاملی برآمده از نقش‌ها و پایگاه‌ها عنوان کنیم این تعریف دارای نقصان است؛ زیرا در الگوی تعاملی بودن، غایت زندگی انسان‌ها در نظر گرفته نشده است بنابراین این تعریف نیز خالی از غایت است.

د. **نقد تعریف در علوم سیاسی:** تفکیک دین از دولت و سیاست (سکولاریسم)، دنیاگرایی و تفکیک اخلاق از سیاست، مهمترین مبانی اندیشه دولت‌مدرن است که در نقطه مقابل اندیشه سیاسی دینی قرار دارد (نیکونهاد، ۱۳۹۷) و این اشکال در تعریف دانشمندان علوم سیاسی مشهود است چه حکومت زیر مجموعه دولت باشد و چه هم معنای دولت. همچنین تعبیر رژیم در میان مردم دنیا دارای بار منفی است، زیرا همواره همراه با سرکوب‌گری و ضد آزادی ملت‌ها بوده درحالی‌که نظام بایستی با دادن آزادی صحیح حرکت ملت‌ها به سمت آرمان‌ها را فراهم کند که با تعریف رژیم ناسازگار است؛ خاطر نشان می‌گردد پرداخت به فرم نظام‌های مختلف دنیا و دولت‌مدرن نیاز به مقاله‌ای مستقل دارد.

نقد اندیشمندان مسلمان

نگارندگان ضمن همراهی با کلیات مطالب اشاره شده توسط اندیشمندان مسلمان هر کدام از تعاریف را از جهاتی دارای قوت و ضعف می‌دانند بنابراین نقدی که به دانشمندان مسلمان وارد به نظر می‌رسد این است که از جامعیت لازم برخوردار نبوده از این‌رو نگارندگان در تعریف

مختار سعی دارند تا تعریفی جامع از نظام ارائه دهند.

پس از پایان یافتن نقدها، اکنون نقد آرای متفکران جمع‌بندی خواهد شد تا از این رهگذر بتوان تعریف مختار را ارائه کرد.

۴. جمع بندی نقدها

در اغلب تعاریف پیش گفته در فرهنگ غرب فعالیت نظام بر اساس روابط قراردادی (اعتباری)^۱ صورت می‌گیرد و بازگشتی به واقعیت ندارد، این در حالی است که اگر فعالیت نظام در جهت کمال و آرمان نباشد، فعالیت آن نتیجه‌بخش نبوده و مشابه سرابی خواهد بود که هرگز انسان تشنه‌ی کمال را سیراب نخواهد کرد؛ بنابراین نظام بایستی مبتنی بر انسان‌شناسی صحیح سامان یابد تا در مقابل حقیقت انسانی قرار نگیرد (الهی راد، ۱۳۹۹، ص ۳۱) در اندیشه حکمت متعالیه جامعه به عالم تشبیه شده است. (جوادی املی، ۱۳۸۷، ص ۳۵) بنابراین مشابهت و مبتنی بر وحدت و هماهنگی تکوین و تشریح (سبزواری، ۱۳۶۹، ص ۳۰) اگر نظام تکوین در عالم محقق باشد بنابراین نظام تشریح نیز محقق خواهد بود از آن‌جا که تکوین در ماهیت خود ضرورت تحقق به احسن وجه را دارا است (طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۵) لذا نظام تشریح عالم نیز به احسن وجه موجود می‌شود و این نظام تشریح چارچوبی برای رساندن جامعه به واقعیات قلمداد می‌شود (موسی زاده، ۱۳۹۹) طراحی این نظام بدون ارتباط با وحی آسمانی شکل نخواهد گرفت و بقا پیدا نخواهد کرد زیرا این نظام تشریح یا از واقعیات همانند وحی و گزاره های مستحکم عقلی سرچشمه خواهد گرفت یا به واقعیات ختم خواهد شد.

همچنین بیان این نکته ضروری به نظر می‌رسد که این نظام مرکب بوده و در درون خود اجزاء و

^۱ اعتباری یعنی قرارداد بشری

^۲ "لکل جعلنا منکم شرعه و منهاجا"

خرده نظام‌هایی همچون نظام اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... را در برمی‌گیرد که این خرده نظام‌ها مبتنی بر وحی طراحی شده و برای اجرای آن ضرورت دارد رهبری الهی^۱ حضور داشته باشد تا بتواند احکام و معارف مبتنی بر همان وحی محقق شود.^۲ ساخت و تحقق این نظام و اجزای آن امری دفعی نبوده بلکه نظام‌سازی امری جاری است و بایستی روزبه روز تکمیل شده و نواقص آن برطرف شود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰) این نظام‌سازی با هدایت رهبری الهی گام به گام ادامه پیدا خواهد کرد.

اگر نظام را در تعریف به عنوان صرفاً جمع نظم (موسی زاده، ۱۳۹۹) یا مجموعه منظم قلمداد کنیم تعریفی ناقص است عامل اصلی نظام پیوند و تعاون برای رسیدن به ارزش‌ها و آرمان‌ها است که در آن هم فرد اصالت دارد و هم جامعه. (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۳۱۹) نظامی که بر پایه حق بنا شده باشد دارای پیوند بین اجزای خود است بر خلاف نظامی که بر پایه باطل ایجاد شود اگر چه به ظاهر پیوند دارد ولی در واقع پیوند و اتصالی بین اجزا خود نخواهد داشت (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۳۳۸) و این پیوند با اتصال به رهبر الهی و پیوند میان مردم برای نیل به آرمان‌ها محقق خواهد شد.

با توصیف و نقد دیدگاه‌های موجود، شرایط برای بیان تعریف مختار نویسندگان از نظام، فراهم شده است.

۵. تعریف مختار از نظام

^۱ رهبری الهی در اصل همان امامان معصوم هستند که دارای علم و افضلیت ویژه هستند منتها در زمان غیبت معصوم راه هدایت بسته نمیشود و خود معصوم فقهای جامع‌الشرایط را در نیابت از خود مامور انجام چنین وظیفه‌ای کردند

^۲ پرداختن به این بحث به صورت تفصیلی مربوط به مباحث فقه نظام میشود که پرداختن به آن نیاز به پژوهشی مستقل دارد.

نویسندگان چارچوب نظام اجتماعی را شریعت مقدس اسلام می‌دانند و تعریف مختار خود را بر این اساس ارائه خواهند داد.

«نظام یک کل و مجموعه‌ای دارای اجزا و عناصر منسجم و پیوند خورده دارای هدف مشخص است که چارچوب، قوانین، ارزش‌ها و آرمان‌های خود را از تشریح و رهبری الهی گرفته و به نظام تکوین بازگشت پیدا می‌کند و از فردی‌ترین تا اجتماعی‌ترین، ظاهری‌ترین تا باطنی‌ترین (روح‌ها و اندیشه‌ها) لایه‌های زندگی انسان را در برمی‌گیرد و در این لایه‌ها اصالت را به بعد باطنی می‌دهد.»

برای روشن شدن منظور نویسندگان از تعریف به توضیح برخی از مفردات تعریف پرداخته خواهد شد.

۵. ۱. توضیح مفردات تعریف مختار

الف. منسجم و پیوند خورده: منظور اتصال، ارتباط، به هم پیوستگی و هم جبهگی میان اجزای نظام است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۴۱۵)

ب. اصالت: هدف بین زندگی ظاهری (مادی) و باطنی (معنوی)، لایه باطنی است و زندگی ظاهری برای رسیدن به باطن به کار می‌رود. (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۱۶)

پس از مفهوم‌شناسی نظام به مفهوم‌شناسی انقلاب پرداخته می‌شود.

۶. معنای انقلاب

در این بخش طبق روال گذشته آرای متفکرین توصیف و نقد شده و سپس تعریف مختار ارائه خواهد شد.

۶. ۱. تعاریف موجود

توصیف تعاریف موجود را با تعریف لغوی آغاز کرده و سپس به سیر انتقال واژه و مفهوم پرداخته می‌شود.

الف. فرهنگ لغت: در زبان لاتین انقلاب با لفظ **Revolutio** اشاره می‌شود که برگرفته از واژه‌ی لاتین **Revolutio** است (کسرایی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵)؛ در فرهنگ لغت آکسفورد «انقلاب تلاش بسیاری از مردم برای تغییر حکومت یک کشور، به ویژه با اقدامات خشونت آمیز است (سایت آکسفورد، ۱۴۰۰)». همچنین در زبان عربی با لفظ «ثوره» به معنای انقلاب اشاره شده است. (قیم، ۱۳۸۴، ص ۳۴۸)

ب. **سیر انتقال از عاوم تجربی به علوم انسانی**: طبق بررسی پژوهش‌گران واژه‌ی انقلاب در غرب مانند نظام، از علوم تجربی به علوم انسانی سرایت کرده است و در ابتدا واژه‌ی انقلاب برای حرکت دورانی منظم و قانونمند ستارگان در مسیر دایروی بوده است که به گفته‌ی «هانا آرنت» انقلاب به واسطه‌ی اثر بزرگ «کپرنیک»^۱ در علوم طبیعی دارای اهمیت دوچندان شده است (گیدنز، ۱۳۷۳، ص ۶۵۱). در سده هفدهم میلادی واژه انقلاب برای نخستین بار به صورت یک اصطلاح سیاسی پس از دگرگونی‌های سیاسی در یکی از کشورها به کار رفت.

بنابراین تعریف، انقلاب حرکتی انتقالی است که از یک مبدا آغاز شده و در نهایت به همان مبدا شروع حرکت باز می‌گردد که نشان از صرفاً یک دور است که هدف این دور مشخص نیست.

ب. ۱. **علوم اجتماعی**: در علوم اجتماعی به هر گونه تغییری انقلاب گفته نمی‌شود (یاسری، ۱۳۹۸) در واقع انقلاب تغییری عمده، ناگهانی و خشونت‌آمیز در نظام‌ها است. چالمرز جانسون با نظریه‌ی کارکردی خود می‌گوید: «انقلاب تحولی ساختاری و نتیجه ناهماهنگی بین ارزش‌ها (مطلوباتی) که باورهای عمومی جامعه شده و فاصله محیط اجتماعی از آن ارزش‌ها است (بشیریه، ۱۳۹۳، ص ۵۳)». در واقع وقتی دولت به ارزش‌های اجتماعی میان مردم توجه

^۱ اثر کپرنیک: ثابت کرد خورشید در مرکز جهان قرار دارد و معدودی از اجرام آسمانی بزرگ دور خورشید می‌گردند.

نکند انقلاب رخ می‌دهد، به عبارت دیگر انقلاب، در نتیجه‌ی یک ناهماهنگی کارکردی بین اجتماع و دولت پیش می‌آید. همچنین از نظر گیدنز، جامعه‌شناس بریتانیایی، «انقلاب» عبارت است از: «تصرف قدرت دولتی برای اصلاحات عمده اجتماعی به وسیله‌ی رهبران اصلاحات با همراهی جنبش توده‌ای که با ابزارهایی خشن صورت می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۷۳، ص ۶۵۱)»

ب. ۲. علوم سیاسی: والتر لاگوئر^۱ مفهوم انقلاب را تلاش برای تحول بنیادین در سیستم حکومتی می‌داند. مارکس انقلاب را تغییری ارزشمند و مترقی در حین کاستن نابرابری‌ها و ایجاد عدالت بیشتر به کار می‌برد. همچنین او می‌گوید عمده انقلاب‌هایی که به وقوع می‌پیوندد به دلیل تضاد طبقاتی است. او به نیروهای تولید و روابط تولیدی معتقد است و می‌گوید انقلاب‌ها به دلیل مناسبات تولیدی و احساس بی‌عدالتی ناشی از آن رخ می‌دهند. همچنین هانتینگتون نظریه پرداز آمریکایی می‌گوید: «انقلاب، مجموعه تغییرات اجتماعی و سیاسی است که بر اثر مبارزات خشونت‌آمیز بر سر قدرت به وجود می‌آید (جانسون، ۱۳۶۳، ص ۱۷)» از منظر وی هر چه مدرنیزه شدن افزایش یابد به همان نسبت ثبات سیاسی و اجتماعی بیشتر می‌شود.

با این تعریف از انقلاب در علوم سیاسی، انقلاب‌های معاصر دنیا را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم.

ب. ۲. ۱. انقلاب های معاصر دنیا

در جهان انقلاب های متعددی در سده های اخیر همچون انقلاب های آمریکا (۱۷۸۳)، فرانسه (۱۷۸۹)، الجزایر (۱۹۶۲)، روسیه (۱۹۱۷)، کوبا (۱۹۵۹) و مکزیک (۱۹۲۰) و چین (۱۹۱۰) رقم خورده است که ما بنابر اهمیت به چند انقلاب به صورت مختصر می‌پردازیم. به انقلاب ها از جهت گزارش تاریخی پرداخته نشده بلکه از جهت جریان شناسی فکری و فهم مفاهیم به کار رفته در آن پرداخته شده است.

¹ Walter laguer

الف. **انقلاب روسیه (۱۹۱۷):** انقلاب روسیه متأثر از ایدئولوژی های مارکس و نگاه‌های اومانستی بوده است که در واقع متکی بر عقل بشری (عقل در برابر وحی) است. از انقلاب روسیه بود که جهان به دو اردوگاه کاپیتالیسم^۱ و سوسیالیست^۲ تقسیم شد. انقلاب روسیه به سرانجام نرسید و نیمه تمام ماند زیرا آرمان‌های انقلاب روسیه با نیازهای واقعی و فطری انسان‌ها از جمله مردم روسیه تناسب نداشت و به همین دلیل بود که نقش‌آفرینی مردم روسیه بعد از مدتی ضعیف شد و انقلاب آن نیمه‌کاره ماند (ملکوئیان، ۱۳۹۱).

ب. **انقلاب امریکا (۱۷۸۳):** در واقع انقلاب امریکا همان جنگ‌های استقلال است که حدود ۶ سال طول کشیده است. هدف از این جنگ‌ها رهایی از استعمار بریتانیا و دفاع از بازرگانان و سرمایه‌داران ایالات متحده بوده است. نویسندگان اعلامیه استقلال امریکا باورهای شدید لیبرالی داشتند و در واقع لیبرالیسم به آزادی و ترویج روحیه سودگرایی تاکید دارد بنابراین در ذات این انقلاب ترویج سرمایه‌سالاری نهفته است (زرشناس، ۱۳۹۲، ص ۲۱).

ج. اندیشمندان اسلامی

نگاه اندیشمندان اسلامی را به تفکیک مورد بررسی قرار می‌دهیم.

ج. ۱. **محمد تقی مصباح یزدی:** «انقلاب در قرآن به دو معنای رجوع و صیورت به کار رفته است. عامل مهم انقلاب به معنای تحولات اجتماعی طبق قرآن و سنت، ایمان و عمل صالح است و از مجموع شواهد تاریخی این‌گونه برمی‌آید که نمی‌توان برای تحولات تاریخی خطی

۱. کاپیتالیست: یک نظام اقتصادی است که در آن پایه‌های یک سیستم اقتصادی بر روی مالکیت خصوصی ابزارهای تولید اقتصادی است و در دست مالکان خصوصی است و از این برای ایجاد بهره‌مندی اقتصادی در بازارهایی رقابتی استفاده می‌شود.

۲. سوسیالیست: اندیشه‌ای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که برای ایجاد یک نظم اجتماعی مبتنی بر انسجام همگانی می‌کوشد، جامعه‌ای که در آن تمامی قشرهای اجتماع سهمی برابر در سود همگانی داشته باشند.

مستقیم یا منحنی یکنواختی ترسیم کرد و در تاریخ همواره تحولاتی بوده که در جهت صعود یا در جهت سقوط بوده است. بنابراین هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان نشان داد که از آغاز تا انجامش همواره رو به تکامل بوده باشد. به قدری این مطلب آشکار است که کسانی هم که به حرکت تکاملی تاریخ قائل‌اند این‌گونه نوسان‌ها را انکار نمی‌کنند اما معتقدند این‌گونه موارد استثنا است (مصباح، ۱۳۹۹، ص ۶۰). همچنین او می‌گوید: اینکه انقلابی همراه با اعمال خشونت نباشد فرضی نامعقول نیست ولی فرضی است که تاکنون از جهت تجربی اتفاق نیافتاده است (مصباح، ۱۳۹۱، ص ۳۵۳)»

ج. ۲. شهید مطهری: «انقلاب دگرگونی و تغییری بنیادین است که ساخت جامعه را به کلی به وسیله تغییر در روحیه ملت عوض می‌کند (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۱۳۱) همچنین ایشان ریشه انقلاب را نارضایتی و خشم از یک طرف و آرزو و طلب از طرف دیگر می‌داند بنابراین طغیان مردم بر علیه نظام حاکم از این جهت به وجود می‌آید. (مطهری، ۱۳۸۴، ص ۲۹)»

ج. ۳. محمدباقر صدر: «هرگاه امتی برخوردار از مکتب صحیح و تلقی صحیح از مکتب و ایمان به آن باشد، در این حالت می‌تواند نهضتی حقیقی را در درون خود تحقق بخشد و بر آن اساس تحولی فراگیر و کامل را در زندگی خود ایجاد کند. (صدر، ۱۳۹۳، ص ۴۳۰)»

ج. ۴. سید علی خامنه‌ای: «انقلاب فقط شورش، به خیابان ریختن و جنجال کردن نیست بلکه تغییر بنیادین تدریجی است که در طول زمان با تلاش و مجاهدت دائمی و خواست از طرف مردم شکل می‌گیرد و باقی می‌ماند و همه‌ی نهادهای اصلی زندگی جامعه را از کجی و نابجا بودن، به آنچه مستقیم و بجاست می‌رساند. (خامنه‌ای، ۱۳۸۱)»

پس از پایان یافتن توصیف تعاریف موجود از انقلاب به تحلیل و نقد آن‌ها خواهیم پرداخت.

۲. ۶. تحلیل و نقد تعاریف موجود

در این بخش به همان ترتیبی که به توصیف پرداخته شد، نقدها نیز ارائه خواهد شد.

الف. نقد تعریف لغوی و سیر انتقال از علوم تجربی به علوم انسانی: در لغت نامه آکسفورد رفتار خشونت‌آمیز از لوازم انقلاب شمرده شده است، اما چنان‌که در آینده مستدل خواهد شد، تحقیقات نویسندگان ضرورت خشونت در انقلاب را نفی می‌کند؛ در خصوص سیر انتقال از علوم تجربی به علوم انسانی بایستی یادآور شد که تعریف انقلاب در علوم انسانی غربی بر پایه تعریفی تجربی از انقلاب بنا شده است، درست است که در این تعریف جامعه به مثابه یک کل حرکت دارد و دارای گذار است، اما طبق این تعریف، جامعه حرکتی رو به هدف متعالی ندارد و در یک حرکت انتقالی به نقطه آغاز حرکت خود بازمی‌گردد، برای توضیح بیشتر، همین اشکال به دوره رنسانس نیز وارد است اگر چه این دوره را دوره‌ای انقلابی معرفی می‌کنند، اما این حرکت در رنسانس باعث صعود انسان‌ها به جایگاه حقیقی خود نشد، بلکه حرکتی محصور در سطح جامعه فارغ از تعالی آن بود.

ب. نقد تعریف در علوم اجتماعی و سیاسی: نویسندگان انتقاداتی را به تعاریف اشاره شده وارد می‌دانند، از جمله وجود خشونت در انقلاب که در نظریات هانتینگتون و گیدنز به طور مشخص به چشم می‌خورد، در حالی که در نگاه حکمت متعالیه حرکت تکوین و تشریح به سمت صعود است و تعالی و رفعت جامعه و انسان‌ها حرکتی تدریجی است. متنها در آن ضرورتی برای به وجود آمدن خشونت نیست و اصلاً بنابر تغییرات عمیق و تدریجی و بدون خشونت است. همچنین هانتینگتون رابطه‌ی مدرنیزاسیون با ثبات اجتماعی و سیاسی را رابطه‌ای مستقیم قلمداد کرده است، در حالی که حرکت چند سده اخیر مدرنیزاسیون در غرب که با پشت کردن به آیین توحیدی و گرایش به اومانیزم آغاز شد، اکنون به جایی رسیده که در ۲۰ سال اخیر برای سعادت انسان‌ها، تنها رجوع به علوم تجربی ناشی از عقل خودبنیاد را کافی نمی‌دانند و کرسی‌های مختلف علم و دین در دانشگاه‌های آمریکا و اروپا ایجاد شده بنابراین

کم کم گرایش‌های جدی به معنویت در حال شکل‌گیری است (گلشنی، ۱۳۹۲).

علاوه بر مطالب بالا می‌توان گفت مارکس عمده انگیزه‌ی انقلاب‌ها را به دلیل مناسبات تولیدی و بی‌عدالتی ناشی از آن می‌داند درحالی‌که طبق نظر نویسندگان طبق نگاه توحیدی و جامع‌نگر همه لایه‌های جامعه اهمیت خاص خود را دارد ولی باید به هر لایه بنا بر مرتبه و جایگاه آن اهمیت داد (خمینی، ۱۳۵۷)، بنابراین انگیزه اصلی برای انقلاب‌ها دور افتادن جامعه از ارزش‌های انسانی و فطری همچون آزادی، استقلال، عدالت و... است، نه اقتصادی و تولیدی حتی اگر در ظاهر شعارها تولیدی و اقتصادی باشد، در واقع این‌گونه نیست زیرا جزو لایه‌های سطحی جامعه قلمداد می‌شود.

ج. نقد انقلاب‌های معاصر دنیا: انقلاب فرانسه بر پایه مفاهیمی مانند اومانیست و دموکراسی سکولار بنا شد، لازمه‌ی این تفکر، بی‌نیازی از منابع و حیانی و مستقل کردن جامعه از برنامه الهی است، کلیسا چه از نظر مفاهیم نارسای الهیاتی و چه از نظر رفتار غیرانسانی با توده مردم در شدت گرفتن این امر موثر بوده است (مطهری، بی‌تا، ص ۵۵)، همچنین انقلاب روسیه نیز به همین اشتباه دچار شد و علاوه بر آن چون آرمان‌های آن انقلاب برخواسته از ریشه فطری انسانی نبود، در عمل امکان همراه شدن مردم با این آرمان‌ها در بلند مدت وجود نداشت و بعد از مدتی حضور مردم در متن انقلاب روسیه کم رنگ شد.

در انقلاب آمریکا علاوه بر نبود آرمان‌های فطری و مستقل بودن از برنامه و حیانی ماهیت سرمایه‌سالاری این انقلاب باعث شد تا شکاف عمیقی بین طبقه‌ی بالا و پایین جامعه ایجاد شود، این یکی از عوامل متضاد با آرمان عدالت است.

د. نقد و بررسی آرای اندیشمندان مسلمان: شهید مطهری در بخش اول تعریف خود به تغییرات بنیادین و همراهی خشونت با انقلاب اشاره دارد و بخش دوم تعریف او مشابتهایی

با نظر جانسون و هانتینگتون دارد، درحالی‌که پیش‌تر گفته شد که ضرورتی وجود ندارد که انقلاب همیشه همراه با خشونت و نارضایتی باشد و ممکن است انقلاب مردم برای دریافت کمال بالاتر شکل بگیرد.

توضیح قرآنی محمدتقی مصباح یزدی در خصوص معنای رجوع، بازگشت، صبرورت و تحول با تعریف نویسندگان همسو بوده که در ادامه به آن اشاره خواهد شد. مصباح یزدی می‌گوید: «فرض اینکه انقلابی همراه با اعمال زور و خشونت نباشد فرض نامعقولی نیست، ولی فرضی است که تا کنون وقوع و تحقق نیافته است و پیش بینی می‌گردد در آینده نیز محقق نگردد.» ایشان بر نامعقول نبودن انقلاب بدون خشونت اذعان دارد، اما به صورت غیر مستقیم امکان تحقق آن را رد می‌کند. درحالی‌که به نظر نویسندگان، انقلاب، یک امر مداوم در عالم است و ضرورتی برای وجود خشونت در انقلاب‌ها وجود ندارد، همان‌گونه که در تکوین نیست، اما برای رسیدن به مقصود، انقلاب، ابایی از استفاده از ابزار خشونت ندارد.

اشارات محمد باقر صدر با نگاه نویسندگان همراه به نظر می‌رسد و او با توجه به اقتضائات زمانه خود تعریف مناسبی از انقلاب ارائه داده است، ولی جامعیت لازم را در تعریف انقلاب دارا نیست. این احتمال وجود دارد که او به دلیل زیست نکردن در فضای نظام انقلابی از این ویژگی برخوردار نباشد و این جامعیت لازم در تعریف سید علی خامنه‌ای وجود دارد که به نظر نگارندگان زیست در فضای انقلابی این جامعیت را ایجاد کرده است.

پس از توصیف، تحلیل و نقد تعریف نظام و انقلاب به تبیین و تحلیل حرکت انقلابی بر اساس تفکر بنیادی حکمت متعالیه پرداخته خواهد شد.

۷. تحلیل حرکت انقلابی بر اساس حکمت متعالیه

با پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین جنبش‌های سیاسی-اجتماعی قرن

بیستم و به چالش کشیده شدن نظریات موجود انقلاب، ضرورت تعریف جدید از انقلاب و نظریه‌های انقلابی به وجود آمد (امینی، ۱۳۹۸)، نفرات اصلی انقلاب این گونه می‌اندیشند که این انقلاب در واقع حرکتی مبتنی بر حکمتی استوار است و تا زمانی که بر پایه همین حکمت به مسیر خود ادامه دهد از مقصد خود دور نشده و در مسیر رسیدن به آن خواهد بود. بنیانگذار این انقلاب با فهمی که از حکمت متعالیه دریافت کرده بود این انقلاب را بنا کرد و آن را ادامه داد.

حرکت انقلابی حرکتی است که قصد حرکت دادن انسان به سوی سعادت را دارد. انقلاب در تشریح حرکتی ارادی همسو با جهت کل عالم است؛ زیرا عالم، کارخانه انسان‌سازی با جهت‌گیری رساندن انسان‌ها به کمال است (حسن زاده، ۱۳۷۵، ص ۳۴۱). بنابراین انقلاب در تشریح همان حرکت ارادی هم‌سو با کل عالم است. در ادامه سعی می‌شود این نگاه بر اساس حرکت جوهری تحلیل شود.

علت و معلول در ثبات و حرکت مانند یکدیگرند و چون عرض، دامنه جوهر و از فروع و شئون او است و هر دو یک وجود متشخص در خارج هستند، از این‌رو عرض در قوت و ضعفش تابع قوت و ضعف موضوع خود یعنی جوهر است و ناچار حرکت چنین معلولی مستلزم حرکت علتی که موضوع آن خواهد بود است (حسن زاده، ۱۳۷۵، ص ۴۶). هر جا حرکت جوهری است تجدد امثال نیز هست، در اسفار آمده «الحرکه تجدد شیء» که به این معنی است که نفس تجدد یا حدوث یا عین ظهور تدریجی قوه را حرکت گویند (ملاصدرا، ۱۳۶۸، ص ۱۰۹)، همچنین حکمت متعالیه بر این اعتقاد است که تجدد در تمام آفرینش راه دارد و همه موجودات طبیعت در حال سیر در قوس صعودی هستند، در نتیجه ذات و جوهر آن‌ها در حرکت خواهد بود. در سیر صعودی ماده هر موجودی به لباس نوینی آراسته می‌شود و آن را بر تن می‌کند، بدون آن که لباس قبلی را از تن در بیاورد یعنی لباس بعد از لباس، نه لباس

بعد از خلع، یعنی هر مرحله نوین، تمام کمالات مرحله پیشین را دارا است (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۷۳۷) بدین صورت جوهر در حالی که صورتی دارد صورت دیگر را می‌پذیرد و پی در پی صورت‌هایی را نه به نحو منفصل بلکه به نحو متصل (حرکت) می‌پذیرد (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۵۴) همچنین محیی الدین این حرکت را حرکت حبی می‌نامد و منشأ آن را به واجب الوجود بالذات نسبت می‌دهد، او می‌گوید ما سوی الله از حرکت حبی اُپدید آمده‌اند و در شرح فصوص خاطر نشان می‌کند که حرکت هرگز وقوع نمی‌یابد مگر از محبت^۱ (محیی الدین، بی تا، ص ۲۰۹)؛ بنابراین تجدد امثال و حرکت جوهری همان حرکت حبی است، منتها حرکت جوهری در عالم طبیعت وجود دارد و حرکت حبی و تجدد امثال در مطلق ماسوی الله است.

بنابر جمع بندی صورت گرفته انقلاب در تشریح بایستی از جنس این چنین حرکتی باشد و انقلاب "صیوروت دائمی" و ضرورتی همیشگی است انقلاب در تشریح حرکتی ارادی همسو با نظام هستی و تکوین است که به صورت قهری و غیر ارادی در حال پیشرفت است؛ (امینی، ۱۳۹۸) بنابراین مردم در انتخاب خود مختار هستند منتها به هر میزان که انتخاب مردم و حرکت آن‌ها در چارچوب تشریح و نظام الهی باشد جهت حرکت آنها رو به صعود خواهد بود (خمینی، ۱۳۸۱، ص ۴۰۰) و چون انسان‌ها به صورت فطری و از روی محبت به حرکت در مسیر الهی و آرمان‌های انسانی گرایش دارند. در نتیجه براین حرکت آن‌ها در این نظام با اختیار رو به صعود خواهد بود و در حرکت دورانی روبه بالا رشد خواهد کرد، منظور از دورانی رو به بالا این است که اقتضای زندگی دنیا به دلیل تراحمات و اقتضانات آن چرخش

۱. حرکت حبی: جریان تجلی ناشی از حُب ظهور و اظهاریست که در همه اسمای الهی و همه ارکان عالم ساری است و موضوع و غایت آن حق تعالی است

۲. «ان الحركة ابدأ انما هی الحبیة و یحجب الناظر فیها باسباب آخر»

برمحور دنیا است، منتها زمانی این دوران، حرکت رو به بالا خواهد داشت که تسلیم قواعد عالم در تکوین و تشریح شود و مطابق آن حرکت کند. بنابراین انقلاب اسلامی یک انقلاب تکاملی است و نه ترمیدوری^۱ زیرا آرمان‌های آن تاریخ مصرف دار نیست مگر آن‌که آرمان‌های انقلابی تحریف شود و افراد و کنش‌های انقلابی طرد شوند که در این صورت انسان با اختیار خودش از هماهنگی نظام تکوین و تشریح خارج شده است (امینی، ۱۳۹۸).

اکنون تعریف مختار از انقلاب ارائه خواهد شد.

۸. تعریف مختار

تعریف مختار نگارندگان از انقلاب به صورت زیر است.

«انقلاب حرکتی دورانی - تکاملی متناسب با حرکت جوهری عالم است که به جهت محذورات و مقدورات در عالم ماده با صیوروت و تدریج ایجاد می‌شود؛ و در هر گام جدید تمام کمالات گام‌های پیشین را داراست و در نهایت به سبب گرایش فطری و حبی در وجود مردم، انسان‌ها به آرمانها و مطلوبات انسانی نیل پیدا می‌کنند.»

برای روشن شدن تعریف به توضیح مفردات آن خواهیم پرداخت.

۸. ۱. توضیح مفردات تعریف مختار

صیوروت و تدریج: همان «حدوث استمراری» و «شدن» است که مرتبه‌ای از هستی است و جمع میان بودن و نبودن است (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۱۷۵) که در اینجا مخالف ثبات و سکون از جهتی و مخالف حرکت دفعی از جهت دیگر است.

حرکت دورانی - تکاملی: امری عارضی و دائمی است که حرکت آن دارای جهت مستقیم

۱. ترمیدور: حرکت دوری انقلاب‌ها (انقلاب‌ها پس از یک دوره انقلابی‌گری به شرایط عادی خود باز می‌گردند و پس از دوره انقلابی‌گری فرو می‌نشینند و به شرایط عادی پیش از انقلاب باز می‌گردند. بریتون این بازگشت را تحت عنوان «ترمیدور» بررسی می‌کند).

نیست زیرا دارا بودن جهت، نشان از محدودیت است و دورانی بودن آن به جهت نیروی مرکزگرایی است که به نظر نویسندگان به دلیل زندگی دنیا به وجود آمده است. آرمان‌ها و مطلوبات: چیزی است که انسان‌ها و جوامع انسانی برای آن پدید آمده‌اند و به حسب فطرت متوجه آن هستند (صدر، ۱۳۸۹، ص ۱۹۵).

گرایش فطری و حبی: به کششی در نفس گفته می‌شود که او را به سوی مطلوب و آرمان سوق می‌دهد.

بعد از تعریف مختار از نظام و انقلاب اکنون سعی داریم تا قابل جمع بودن نظام و انقلاب را بیان کرده و به تعریف نظام انقلابی دست یابیم.

۹. تعریف نظام انقلابی

ابتدا به چگونگی جمع میان نظام و انقلاب پرداخته خواهد شد.

۹.۱. جمع نظام و انقلاب

حرکت یعنی حرکت کردن چیزی و حرکت مطلق وجود ندارد (حسن زاده، ۱۳۷۵، ص ۴۶)، بنابراین حرکت صفتی است که وجودی و وصفی متکی به موصوف دارد (وجودی حلول کننده دارد) و هر حلول کننده‌ای به شی دیگر احتیاج دارد (عبودیت، ۱۳۹۹، ص ۷۶) در اینجا موصوف نظام است لذا نظام و انقلاب دو امر وجودی هستند که با یکدیگر تناقض مفهومی ندارند. نظام تجسم انقلاب است (خامنه‌ای، ۱۳۹۶) و انقلاب حرکتی همسو با حرکت جوهری است که بدون نظام معنایی نمی‌دهد

۹.۲. چیستی و چگونگی حرکت در نظام انقلابی

نظام انقلابی به معنای جستجوی واقع‌بینانه‌ی آرمان‌های برگرفته از فطرت‌ها و حب‌ها است. همان‌طور که گذشت، انقلاب همواره جاری است و همان تحولات عمیق و بنیادین است که با

توجه به مثلث مطلوبات و مقدورات و محذورات شکل می‌گیرد البته قبول مقدورات و محذورات به معنای عدول از آرمان‌ها و پذیرش و تسلیم واقعیت شدن‌ها نیست بلکه واقع‌بینی و تغییر واقعیت‌ها به سمت تحقق مطلوبات با توجه به مقدورات و محذورات است.

به نظر نگارندگان نظام ساختار و انقلاب آرمان‌ها را نشان می‌دهد. رسالت انقلاب پایان‌ناپذیر است و کنش‌گری در صحنه‌های مختلف به‌عنوان یک جریان پویا و قدرت‌مند در میان مردم برای رسیدن به آرمان‌ها و مطلوبات امری ادامه‌دار است. حرکت انقلاب در نظام اسلامی^۱ تا دوران ظهور امتداد خواهد داشت (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۳۳)، با این تفاوت که به نظر می‌رسد، خود نظام و ساختارها در دوران ظهور در مسیر الهی قرار می‌گیرد و مردم برای کسب آرمان‌ها و کمالات پویاتر شده و حرکت آن‌ها شدت پیدا می‌کند. (رضانژاد، ۱۳۸۷، ص ۵۲۳) علت شدت پیدا کردن حرکت مردم برای رسیدن به آرمان‌ها ناشی از بازگشت ساختارهای اعتباری به ساختارهای حقیقی و وجود انسانی کامل برای تحقق آرمان‌ها در رأس این نظام انقلابی است، اما در دوران قبل از ظهور هر نظامی که به حرکت مردم برای رسیدن به آرمان‌ها سرعت بخشد و ساختار و قوانین خود را برپایه‌ی داشته‌های حقیقی به سمت حقیقت سوق دهد و دائم در نظام و ساختار خود انقلاب را جاری کند نظام انقلابی است بنابراین جمهوری اسلامی و هر نظام دیگری که خود را مطابق با نظام انقلابی در عمل کند در نهایت بشریت را به ظهور ولایت عظمی و تحقق آرمان‌ها به طور کامل می‌رساند.

به نظر می‌رسد با توضیحات گذشته شرایط ارائه‌ی تعریف نظام انقلابی فراهم شده است.

۱۰. تعریف مختار نظام انقلابی

«یک کل و مجموعه‌ای دارای اجزاء و عناصر منسجم و پیوندخورده، که هدف آن تحقق

^۱ . به نظر نویسندگان نظام انقلابی مساوی نظام اسلامی است.

آرمان‌ها و مطلوبات است. نظام انقلابی چارچوب، قوانین، ارزش‌ها و آرمان‌ها را از تشریح و رهبری الهی گرفته و به صورت حرکتی دورانی - تکاملی مطابق با حرکت جوهری در عالم با تدریج و سیورورت به سمت آرمان‌ها حرکت می‌کند و به آن خواهد رسید.»

۱۱. نتیجه گیری:

مبتنی بر مباحث گفته شده نظام عبارت است از: «نظام یک کل و مجموعه‌ای دارای اجزا و عناصر منسجم و پیوندخورده دارای هدف مشخص است، که چارچوب، قوانین، ارزش‌ها و آرمان‌های خود را از تشریح و رهبری الهی گرفته و به نظام تکوین بازگشت پیدا می‌کند و از فردی ترین تا اجتماعی ترین، ظاهری ترین تا باطنی ترین (روح‌ها و اندیشه‌ها) لایه‌های زندگی انسان‌ها را در برمی‌گیرد، در این لایه‌ها اصالت را به بعد باطنی می‌دهد» همچنین انقلاب «حرکتی دورانی - تکاملی متناسب با حرکت جوهری عالم است که به جهت محذورات و مقدورات در عالم ماده با سیورورت و تدریج ایجاد می‌شود؛ و در هر گام جدید تمام کمالات گام‌های پیشین را دارا است و در نهایت به سبب گرایش فطری و حبی در وجود مردم، انسان‌ها به آرمان‌ها و مطلوبات انسانی نیل پیدا می‌کنند.» و نظام انقلابی عبارت است از: «یک کل و مجموعه‌ای دارای اجزاء و عناصر منسجم و پیوندخورده که هدف آن تحقق آرمان‌ها و مطلوبات است. نظام انقلابی چارچوب و قوانین و ارزش‌ها و آرمان‌ها را از تشریح و رهبری الهی گرفته و به صورت حرکتی دورانی - تکاملی مطابق با حرکت جوهری در عالم با تدریج و سیورورت به سمت آرمان‌ها حرکت می‌کند و به آن خواهد رسید.»

فهرست منابع

ابن عربی، محیی الدین، بی تا، فصوص الحکم، انتشارات کارنامه، تهران.
اردکانی، محسن، ۱۳۹۷، قاعده حفظ نظام، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.

آقا نظری، حسن، ۱۳۹۷، معنائشناسی مکتب و نظام و علم در ادبیات اقتصاد اسلامی، معرفت اقتصاد اسلامی پاییز و زمستان ۱۳۹۷ - شماره ۱۹، صص ۲۵-۴۶.

امینی، سیدجواد، ۱۳۹۸، تبیین مفهوم راهبردی نظریه نظام انقلابی در جمهوری اسلامی، پژوهش‌های انقلاب اسلامی - شماره ۳۰، صص ۲۳-۴۸.

بشیریه، حسین، ۱۳۹۳، انقلاب و بسیج سیاسی، انتشارات دانشگاه تهران، بی‌جا.

بیانات رهبری در دیدار خبرنگاران، 1390، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=172261)، تاریخ مشاهده ۱۴۰۰/۱۰/۱۳.

جانسون، چالمرز، ۱۳۶۳، تحول انقلابی، مترجم حمیرا سیاسی، امیرکبیر، بی‌جا.

جهان بین، فرزاد، ۱۳۹۸، کتاب مدیریت فرهنگ در اندیشه آیت الله خامنه‌ای، نهضت نرم‌افزاری، تهران. جوادی املی، عبدالله، ۱۳۸۷، گفتگو منتشر شده در کتاب سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه دفتر اول، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم.

جوادی املی، عبدالله، ۱۳۹۱، انتظار بشر از دین، مرکز نشر اسراء، قم، هشتم.

حسن زاده املی، حسن، ۱۳۷۵، گشتی در حرکت، مرکز نشر فرهنگی رجاء، تهران، چاپ اول.

حسینی خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۸، انسان ۲۵۰ ساله حلقه ۲، انتشارات صهبا، تهران.

حقدار، علی اصغر، ۱۳۷۲، رهیافت فکری کارل پوپر، کیهان اندیشه - شماره ۵۱

خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=38975>، ۱۴۰۰/۱۰/۲۸.

خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۸۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25271>، ۱۴۰۰/۱۰/۲۸.

خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۷، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، انتشارات موسسه ایمان جهادی، تهران. خمینی، روح‌الله، ۱۳۵۷، <https://emam.com/posts/sahifehbydate/57/07/22/2>، ۱۴۰۰/۱۱/۱۳.

خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۱، تقریرات فلسفه امام خمینی جلد ۳، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران. دلیر، بهرام، ۱۳۹۶، الگوی نظام سیاسی در حکمت متعالیه، تهران.

رضائزاد، غلام حسین، ۱۳۸۷، مشاهد الالوهیه، نشر آیت اشراق، قم.

روشه، گی، ۱۳۷۶، جامعه شناسی پارسونز، مترجم نیک گهر، تبیان، تهران.

- زرشناس، شهریار، ۱۳۹۲، نیمه پنهان امریکا، نشر معارف، بی‌جا.
- ساروخانی، باقر، ۱۳۷۵، در امدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی جلد ۲، انتشارات کیهان، تهران.
- سالار کسرابی، محمد، ۱۳۹۸، مقاله انقلاب تحولات مفهومی یک واژه، بی‌جا.
- سبزواری، هادی بن مهدی، ۱۳۶۹، شرح منظومه، نشر ناب، تهران.
- شهبازی، عبدالله، ۱۳۹۸، <https://www.javanonline.ir/fa/news/950317>، ۱۴۰۰/۱۰/۲۳.
- صدر، محمدباقر، ۱۳۷۸، اقتصاد ما جلد ۱، مترجم محمدکاظم موسوی، بی‌جا.
- صدر، محمدباقر، ۱۳۹۳، اسلام راهبر زندگی، پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر، قم-تهران.
- صدرا، علیرضا، ۱۳۸۹، مفهوم شناسی حکمت متعالی سیاسی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم.
- صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم، ۱۳۶۸، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، مکتبه المصطفوی، قم.
- طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۸۷، اصول فلسفه و روش رئالیسم، تهران.
- طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۸۷، مجموعه رسائل جلد ۲، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم، قم.
- طباطبایی، محمدحسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات جامعه مدرسین حوزه قم، قم، چاپ پنجم.
- عبدی، ابولفضل، ۱۳۹۹، روش شناسی تقابل دو نظریه نظام انقلابی و انحطاط تاریخی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، پژوهش و مطالعات اسلامی اسفند ۱۳۹۹ سال دوم - شماره ۲۰، صص ۱-۲۰.
- عبودیت، عبدالرسول، ۱۳۹۹، کتاب خداشناسی، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم، چاپ نهم.
- عمید، حسن، ۱۳۳۲، لغت نامه فرهنگ فارسی عمید، بی‌جا.
- قیم، عبدالنبی، ۱۳۸۴، فرهنگ معاصر عربی فارسی، فرهنگ معاصر، تهران.
- گلشنی، مهدی، ۱۳۹۲، <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1392/12/14/30>، ۱۴۰۰/۱۱/۱۳.
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۳، جامعه شناسی، مترجم منوچهر صبوری، نشرنی، تهران، چاپ اول.
- لغت نامه آکسفورد،
- www.oxfordlearnersdictionaries.com/definition/english/revolutionary_1
- ۱۴۰۰/۱۰/۱۳.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۹، انقلاب اسلامی و جهشی در تحولات سیاسی تاریخ، بی‌جا.

- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، بی جا.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۶، حکیمانه ترین حکومت، موسسه پژوهشی امام خمینی، قم.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۵۷، علل گرایش به مادی گری، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۲، جامعه و تاریخ، نشر صدرا، تهران.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۶، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، تهران.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۴، پیرامون انقلاب اسلامی، انتشارات صدرا، تهران.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، انسان و ایمان، انتشارات صدرا، تهران.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، آینده انقلاب اسلامی ایران، بی جا، چاپ ۲۵.
- مطهری، مرتضی، بی تا، کتاب جهان بینی توحیدی مجموعه کتب جهان بینی اسلامی، بی جا.
- ملکوتیان، مصطفی مصاحبه، زمستان ۱۳۹۱، <https://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=21981>، ۱۴۰۰/۱۰/۱۳.
- موری، استوارت، ۱۳۸۹، انقلاب امریکا، مترجم عباس محمد کریمی، بی جا.
- موسوی الخمینی، روح الله، ۱۳۲۷، کشف الاسرار، بی جا.
- موسی زاده، ابراهیم، ۱۳۹۹، اصول و مولفه های نظام سازی اسلامی با تاکید بر بیانیه گام دوم انقلاب، حکومت اسلامی شماره ۹۵، صص ۱۱۳-۱۳۴.
- نوروزی، محمدجواد، مصاحبه در مورد نظریه نظام انقلابی و راهبرد نفوذ، ۱۳۹۸، مجله کیهان فرهنگی، مشاهده ۱۴۰۰/۱۰/۱۳.
- نیکونهاد، حامد، ۱۳۹۷، امت ایران بازشناسی تحلیلی جامعه سیاسی زیربنای جمهوری اسلامی بمتابه نظام امت و امامت، حکومت اسلامی شماره ۸۹، صص ۱۱۹-۱۴۴.
- همیلتون، پیتز، ۱۳۷۹، تالکوت پارسونز، مترجم احمد تدین، بی جا، چاپ اول.
- الهی راد، صفدر، ۱۳۹۹، انسان شناسی (کتاب ۳ طرح ولایت)، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم.
- واعظی، احمد، ۱۳۸۰، حکومت اسلامی، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم.
- یاسری، ابوذر، مصاحبه در مورد نظام انقلابی و نظریه مقاومت، ۱۳۹۸، مجله کیهان فرهنگی، مشاهده ۱۴۰۰/۱۰/۱۳.
- نوریخس، یونس، ۱۳۹۸، مقاله گفتمان فرهنگی دو انقلاب و تاثیرات آنها در عرصه بین الملل (انقلاب

اسلامی ایران و انقلاب فرانسه)، پژوهشنامه متین - پیاپی ۴۹.

Thompson ,Evan ,۲۰۲۱ .Cheat Sheet 10 Common Forms of Government ،
www.thebestschools.org/magazine/common-forms-of-government-study